

دو فقره آمار، و دو شاخ بلند!

صفحات مطبوعات صبح انعکاس یافت که به واقع شگفت‌انگیز بود.

فرازهایی از خبر به شرح زیر است:

یک میدان نفتی جدید در شمال بندرگناوه و جنوب گچساران با ظرفیت تولید ۶ هزار بشکه نفت در روز کشف شد. مهندس سید مهدی حسینی مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت صبح دیروز (چهارشنبه) در یک مصاحبه مطبوعاتی با اعلام مطلب فوق گفت میزان ذخیره نفت این میدان جدید حدود ۱/۹ میلیارد بشکه برآورد شده که رقم قابل استحصال آن ۸۰ تا ۱۳۰ میلیون بشکه می‌باشد... مدیر اکتشاف شرکت نفت با اشاره به اینکه در حال حاضر ذخیره نفت کشور حدود ۹۰ میلیارد بشکه می‌باشد، گفت با حفر ۳۰۰ حلقه چاه جدید در آینده می‌توان به ۲۰ میلیارد بشکه نفت دیگری دسترسی پیدا کرد.

از این واقعیت که بدون تردید در سالهای آینده باز هم میدانهای نفتی جدیدی در مناطق مختلف کشف خواهد شد و میزان ذخایر نفت خام ما افزایش خواهد یافت صرف نظر می‌کنیم و فقط همین آمار ارائه شده از سوی مدیر اکتشاف شرکت نفت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

بسر مبنای گفته ایشان، ذخایر نفت خام قابل استحصال کشور ما هم اکنون صد و ده میلیارد بشکه است.

اگر میزان استخراج، صدور و مصرف مشتقات نفتی در داخل، در سطح کنونی حفظ شود ما با همین مقدار ذخایر اعلام شده برای حدود ۸۶ سال دیگر نفت خواهیم داشت. یعنی ۸۶ سال دیگر می‌توانیم روزی سه میلیون و پانصد هزار بشکه نفت استخراج، صادر و مصرف کنیم.

اما فرض بگیریم از همین امروز میزان استخراج نفت به دو برابر، یعنی روزی هفت میلیون بشکه افزایش یابد. باز در این صورت، ما می‌توانیم حداقل ۴۳ سال دیگر نفت استخراج کنیم. آن هم روزی هفت میلیون بشکه!

حتی اگر از همین فردا روزی ده میلیون بشکه نفت نیز استخراج کنیم، باز سی سال طول می‌کشد تا ذخایر نفتی ما بر مبنای منابع شناخته شده کنونی پایان پذیرد.

کدام یک از این دو آمار را باید باور کرد؟ آماری



خام هم خواهیم داشت جمعاً ۱۲۷۷۵/۰۰۰/۰۰۰ بشکه نفت برای صادرات استخراج خواهیم کرد.

گسرسجه آقاسی وزیر نفت روز ۲۷/۵/۷۲ در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه همشهری ضمن دادن این وعده که در صورت افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی به افشار آسیب‌پذیر سوسید پرداخت خواهد شد، اعلام کرده بود با اجرای برنامه افزایش قیمت مواد نفتی از سال آینده (امسال) مصرف روزانه نفت در کشور ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه کاهش خواهد یافت، اما فرض را بر مصرف همان روزی یک میلیون بشکه می‌گذاریم و بنابراین از آن پس تا مدت پنج سال بعد (که کارشناسان نفتی اعلام کرده‌اند از آن تاریخ برای مصرف داخلی ناگزیر به واردات نفت خواهیم بود) هفت یا هشت میلیارد بشکه هم برای تأمین مصارف داخلی نفت استخراج خواهد شد و مجموع این آمار یعنی این که جمع ذخایر نفتی کشور بیست یا بیست و یک یا نهایتاً بیست و چهار - پنج میلیارد بشکه نفت خام است.

ده درصد اختلاف و اشتباه بین ارقام و آمار ارائه شده با واقعیتی که وجود دارد، یا حادث می‌شود پذیرفتنی است. مثلاً اگر در مورد همین آمار و ارقام مربوط به ذخایر نفتی کشور، دو ماه - پنج ماه یا یک سال بعد می‌شنیدیم که دوازده سال بعد صادرات نفت خام ایران قطع خواهد شد و در هفده - هیجده سال آینده ما برای تأمین نیازهای داخلی خود ناگزیر از واردات نفت خام هم خواهیم بود، جای تعجب باقی نمی‌ماند، و کسی نمی‌توانست ایرادی بر این اختلاف آمار بگیرد.

اما شگفتناکه در همان روز و همان ساعاتی که این آمار و ارقام از سوی وزیر نفت و کارشناسان از طریق رادیو اعلام شد، آمار و ارقام دیگری در همین رابطه در

در روزهای پایانی سال ۱۳۲۳ برنامه صبحگاهی رادیو ایران تبلیغ راجع به لزوم صرفه‌جویی در مصرف مواد سوختی فسیلی (نفت - بنزین - گازوئیل و...) را دستور اصلی کار خود قرار داده بود.

روز پنجشنبه ۲۵ اسفند، مجریان برنامه در چند نوبت نظریات وزیر نفت و چند متخصص را در مواردی چون میزان ذخایر نفتی کشور، روند مصرف در حال و آینده، و دورنمای اقتصاد بدون نفت کشور را پخش کردند.

حین همین اظهار نظرها که با صدای آقای وزیر و متخصصان نیز پخش می‌شد شنیدیم که:

«با روند کنونی مصرف مواد نفتی ده سال دیگر نفتی برای صادرات نخواهیم داشت و آنچه از منابع نفتی استخراج می‌شود باید برای تأمین مصارف داخلی اختصاص یابد. از ۵ سال بعد (یعنی ۱۵ سال دیگر، و حدوداً از سال ۱۳۸۹) ما برای تأمین نیازهای داخلی خود ناگزیر از واردات نفت خام هم خواهیم بود.»

در شرایط کنونی، میزان استخراج روزانه نفت در میدانهای نفتی کشور اندکی بیش از سه میلیون و پانصد هزار بشکه است که به موجب آمارهای رسمی حدود یک میلیون بشکه برای تأمین نیازهای داخلی مصرف می‌شود و بقیه را صادر می‌کنیم.

اگر رقم استخراج نفت را در ۳۶۵ روز سال ضرب کنیم عدد حاصل ۱۲۷۷۵/۰۰۰/۰۰۰ بشکه می‌شود و اگر استخراج مواد نفتی، مصرف داخلی و صادرات آن در سطح کنونی باقی بماند، با آنکا به آمار ارائه شده در برنامه صبحگاهی رادیو، می‌توان ذخایر نفتی کشور را رسمی حدود بیست میلیارد بشکه و یا اندکی بیشتر فرض کرد. بدین ترتیب که ما در ده سال آینده که صادرات نفت

راکه وزیر نفت و متخصصان در برنامه صبحگاهی رادیو اعلام کردند، با آماری راکه مدیر اکتشاف شرکت نفت (مرئوس وزیر نفت) اعلام کرده است؟

اختلاف بین دو فقره آمار ارائه شده در یک روز از جانب دو مقام رسمی چنان فاحش است که آدمی از فرط حیرت احساس می‌کند دو شاخ بلند بر سرش روئیده است.

ظاهراً ارائه ارقام و آمار بر مبنای مقتضیات و مصلحت، اینک یک اصل پذیرفته شده و جا افتاده در نظام مدیریتی ما شده است؛ دیگر آمار و ارقام ابزاری نیستند که زیر بنای برنامه‌ریزی را بسازند، بلکه کاربرد آنها فقط توجیه کننده تصمیماتی است که اتخاذ شده، و چون برای موجه جلوه دادن آنها به محملی نیاز است، ارقام را بدون هیچ تأمل و تعمقی ردیف می‌کنیم.

هشدار وزیر نفت و کارشناسان نفتی در مورد پایان یافتن قریب الوقوع ذخایر نفتی کشور (ده تا پانزده سال آینده) زمانی اعلام شد که دیگر نیازی به توسل به این حربه برای ناگزیر جلوه دادن افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی نبود.

افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی مدتها پیش، و با تصویب برنامه دوم توسعه، و پس از آن تصویب تبصره‌های بودجه سال ۱۳۷۴ کشور، اثرات اولیه تورمی خود را بر جامعه گذاشته بود و ارائه آن آمار در ۲۵ اسفند نمی‌توانست اثرات ثانویه آن را نیز خنثی کند.

تجارب تلخ حاصل از وعده دانه‌های حساب نشده، و ارائه تصویرهای خوش منظر، باید منظر از آینده، بدون آنکه متکی بر پیش فرضهای سنجیده باشد، می‌باید این نگرش را در مدیران ما بوجود آورده باشد که شتابزده سخن گفتن، ارقام کلان ارائه دادن و آینده را با افراط یا تفریط ترسیم کردن، تأثیری در روند قانون‌های جبری اقتصادی و اجتماعی ندارد.

وزیر نفت و کارشناسان می‌توانستند به جای ارائه آماری چنان مغایر با آمار دیگری که ذکر آن رفت، دلایل متفاوتی برای موجه جلوه دادن افزایش قیمت مواد نفتی و لزوم صرفه‌جویی در مصرف این مواد ارائه دهند. یک استدلال ساده این بود که دیگر نمی‌توان در باک پیکانی که قیمت علی‌الحساب پیش فروش آن ۳/۵ میلیون تومان است، همچنان بنزین لیتری ۵ تومان ریخت. بد یا خوب، ما برنامه‌هایی اجرا کرده‌ایم که قیمت همه کالاها و خدمات را افزایش داده است و لذا نمی‌توان قیمت مواد نفتی را از این افزایش‌ها مستثنی کرد.

چنین دلیلی برای مردم پذیرفتنی‌تر از تمامی ادله‌ای است که تا کنون برای لزوم افزایش قیمت انرژی در کشور عنوان شده، و پاره‌ای از آنها در شماره ۴۴ این ماهنامه، و در تحلیلی زیر عنوان «گراتی نفت، بزرین و بزرگ حقایق و آمارها» مورد بررسی قرار گرفته است. کتمان حقیقت و طفره رفتن از بیان واقعیات کاربرد

دراز مدتی ندارد. دیر یا زود حقایق حتی برای بی‌توجه‌ترین و خوش‌بین‌ترین مردم روشن می‌شود؛ و آنگاه است که یک مدیر- یا مدیریتی عام- نیرومندترین و قابل‌انتکاترین پشتوانه خود را که باور و اعتماد عمومی است، از دست می‌دهد.

برای آن که هیچ تردیدی در این زمینه باقی نماند یک مسأله بحث برانگیز دو ساله اخیر را مورد استناد قرار می‌دهیم.

زمانی که زمزمه بدهی‌های خارجی کشور آغاز شد، همه دولتمردان بدهکار بودن کشور را از بیخ و بن انکار کردند. وقتی زمزمه‌ها بالا گرفت، و دیوار حاشا فرو ریخت، گفتند «بدهکار نیستیم، یوزاتس خریدیم»، و سرانجام وقتی از میزان بدهی پرسش شد، ارقام متفاوتی ارائه کردند: از سه- چهار میلیارد دلار تا سی و پنج میلیارد دلار. حتی وقتی کمپانی‌های خارجی فروش کالا به ایران را قطع کردند باز هم هیچ مقامی نیامد شجاعانه در برابر مردم بایستد و بگوید «بله، ما بدهکاریم، مبلغ بدهکاری هم این مبلغ است، اشتباهی شده (یا نشده)، حالا باید در صدد جبران مافات بود...» و چون حقیقت از افکار عمومی پنهان ماند، مشتریان راديوهای بیگانه فزونی گرفت، بازار شایعات رونق یافت و اثراتی که شایعه پراکنی بر جامعه می‌گذارد، حادث شد.

اینک، ما برای اولین بار حقایقی را در قالب پرسشی در مجله جام (نشریه جامعه اسلامی مهندسين) می‌خوانیم.

برای آنکه از هرگونه شبهه‌ای در مورد این نشریه جلوگیری شود لازم است ابتدا عده‌ای از گردانندگان آن معرفی شوند.

مدیر مسئول: مهندس سید مجتبی نبوی

سر دبیر: مهندس محمد حسین ملابری (ایشان ضمناً سردبیری نشریه مجلس و پژوهش- ارگان مجلس شورای اسلامی- را نیز برعهده دارد)

عده‌ای از اعضای شورای نویسندگان این نشریه افراد زیر هستند:

دکتر حسن غفوری فرد (معاون سابق رئیس جمهور)

دکتر محمد جواد لاریجانی (نماینده مجلس شورای اسلامی)

دکتر سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی (وزیر علوم و آموزش عالی)

مهندس سید مصطفی میرسلیم (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)

این نشریه در شماره ۳۴ (اسفند ۷۳ و فروردین ۷۴) خود در مقدمه مطلبی با عنوان «برنامه اول: دقایق‌ناس، ها، از نگاه هزینه» می‌نویسد:

«اشاره:

برنامه اول به موجب تبصره ۲۹ به دولت اجازه داد که برای طرح‌های مهم صنعتی و تولیدی از اعتبار خارجی

استفاده نماید. این مجوز در ۵ بند مختلف از این تبصره صادر گردید. در بند (د) عمدتاً طرح‌های صنعتی پیش بینی شده و جمعاً ۶/۳ میلیارد دلار بر آنها لحاظ گردیده است. از این مقدار تا پایان سال ۷۲ (سال پایانی برنامه اول) به میزان ۹۰ درصد پیش‌بینی هزینه شده است. در بند (ط) پیش‌بینی اولیه حدود ۲/۲ میلیارد بوده که تقریباً تمامی این رقم برای پروژه‌های پتروشیمی مصرف گردیده است.

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که بخشی از فرض خارجی برای طیف وسیعی از پروژه‌های صنعتی کشور به کار گرفته شده است. ضمناً بسیاری از پروژه‌ها مقرر بوده که در زمانهای خیلی زودتر از اینها راه‌اندازی گردد.

نکته دیگری که در بررسی بدهی‌های خارجی ایران مطرح است آنکه دقیقاً مشخص نیست تفاوت عظیم بین

سرجمع بدهی‌های خارجی ایران و جمع پروژه‌های فاینانس صنعتی چه دلیل خاصی می‌تواند داشته باشد. مثلاً

در حالی که در برنامه اول، بخش صنعت حدود ۳۴ میلیارد [دلار] هزینه ارزی داشته و در حالی که جمع بدهی‌های

خارجی کشور به دو برابر این رقم می‌رسد، فاینانس طرح‌های بخش صنعت به موجب جدول موجود از حدود ۸ میلیارد دلار کمتر است. امید است بتوانیم با همکاری مسئولان محترم بانک مرکزی، تناقض مذکور را برای خوانندگان گرامی دجام، مرتفع سازیم. انشاءالله.

دو سال پیش اگر کسی چنین ارقامی را در مورد میزان بدهی خارجی کشور ذکر می‌کرد گناه کبیره‌ای مرتکب شده بود. اما امروز آوردن ارقام مجاز و مشروع است. چرا؟

آیا دو سال سکوت و پنهان کاری چیزی را تغییر داده است؟ یک دلار از میزان بدهی‌های کشور کسر شده و این تأخیر، اعتبار مالی ایران را در جهان اعاده کرده است؟

آیا مرور زمان باعث شده مردم فراموش کنند کسانی بدهکار بودن کشور را متکر بودند، و کسانی دیگر ارقام را پنج- شش میلیارد دلار ذکر می‌کردند.

ای کاش مجله جام و نشریه مجلس و پژوهش، که امکانات نظرسنجی فراوانی در اختیار دارند، به موازات بررسی دلایل بدهی‌های کلان کشور، تأثیر ارائه آمار و ارقام نادرست و نستجیده، و پاکتمان حقایق را نیز مورد تحقیق قرار دهند.

پرداخت بدهی‌های کشور در کوتاه یا دراز مدت امکان پذیر است. می‌توان اعتبار مالی خدشه‌دار شده کشور را نیز ترمیم کرد. اما آیا می‌توان باورهای عمومی را نیز به سادگی تغییر داد و اعتمادی را که لازمه به حرکت در آوردن توده‌های مردم به سوی سازندگی و پیشرفت است، اعاده کرد؟

این پرسش پاسخی دقیق و مسئولانه می‌طلبد. آن را جدی بگیریم.